

## رمزگشایی اهل سنت از سریال‌های تاریخی - مذهبی سیما مطالعه موردی آثار شاخص داوود میرباقری

سید بشیر حسینی<sup>۱</sup>

مختار جعفری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۵

### چکیده

هدف این نوشتار، بررسی چگونگی انواع مفاهمه گفتمانی سریال‌های مذهبی-تاریخی از منظر رمزگشایی مخاطب اهل سنت است و به این سبب، به تحلیل گفتمان مهم‌ترین سریال‌های مذهبی-تاریخی سیمای جمهوری اسلامی ایران، به کارگردانی داوود میرباقری مطالعه موردی سه سریال شاخص امام علی (ع)<sup>۱</sup>، مسافر ری و مختارنامه- از منظر اهل سنت پرداخته و با ملاحظه حقوق اقلیت‌های دینی در رسانه ملی، به تصریح و تشریح دو اصل بنیادین «حفظ وحدت» و «صدور گفتمان انقلاب» در راستای «منافع ملی» و «التزام عملی به قانون اساسی» می‌پردازد. همچنین به این پرسش پاسخ می‌دهد که پیامدهای عدم رعایت این دو اصل در ساخت و توزیع محتوای سریال‌های تاریخی-مذهبی چیست؟ نظریه‌های به کار رفته در این پژوهش عبارتند از: نظریه استفاده، نظریه خشنودی و مدل رمزگذاری-رمزگشایی استوارت هال<sup>۳</sup>. روش تحقیق در این پژوهش، تحلیل گفتمان متن و فرامتن (از منظر مخاطب هدف پژوهش) بوده که با بهره‌گیری از مدل سناریوسازی استقرایی چهارگانه، به جمع‌بندی و ارائه راهکار می‌پردازد. از این رو، یافته‌های تحقیق بر فرض‌های مختلف مخاطب‌شناختی و واکنش‌های متفاوت آنان (شامل طیف وسیعی اعم از کم‌توجهی، عدم استفاده از رسانه، خودتحریمی رسانه‌ای، انزوا، مذاکره و حتی تقابل) مبتنی است. بنابراین، با تأکید بر هویت ملی و ساخت سریال‌هایی از شخصیت‌ها یا دوره‌های تاریخی مورد وفاق شیعه و سنی، می‌توان به سمت وحدت‌آفرینی و پرهیز از مسئله‌سازی گام نهاد.

**واژگان کلیدی:** گفتمان، روش سناریو، امنیت ملی، رویکرد استفاده‌مخشنودی، مدل

رمزگذاری-رمزگشایی.

۱. استادیار علوم ارتباطات، گروه علوم نوین رسانه، دانشکده ارتباطات دانشگاه صدا و سیما (نویسنده مسئول)

bhosseini@iribu.ac.ir

mr.mokhtarjafari@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، دانشگاه صدا و سیما

3. Stewart Hall

## مقدمه و طرح مسئله

منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به صورت سلسله‌مراتب زیر اولویت‌بندی کرد: حفظ بقا و موجودیت کشور (با تأکید بر امنیت و وحدت ملی)، حفظ انقلاب اسلامی و مبانی آن (با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی)، استقرار نظم سیاسی-اقتصادی بین‌المللی مطلوب (با تأکید بر وحدت جهان اسلام) و سعادت و وضعیت مطلوب اقتصادی (با تأکید بر عدالت اجتماعی). در مقابل، رسانه از عوامل خارجی<sup>۱</sup> و بحران هویتی از عوامل داخلی بحران‌زای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. هنجارهای هویت‌ساز جمهوری اسلامی ایران از چهار منبع و نظام معنایی بین‌الادھانی ناشی می‌شوند: ملی‌گرایی یا ایران‌گرایی، اسلام‌گرایی شیعی (با تأکید بر اسلامی بودن به عنوان نقطه کانونی و مرکزی آن)، جهان‌سوم‌گرایی و گفتمان یا نظام ارزشی بین‌المللی حاکم بر روابط بین‌الملل (فیروزی، ۱۳۸۸: ۷۷-۷۲). در بحث منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی، در اولویت بودن وحدت ملی به خاطر وجود دو مسئله است: (۱) مسئله قومیت‌ها و (۲) مسئله اقلیت‌های مذهبی. در همین راستا، عدم پیگیری و جدی انگاشتن سیاست‌های انسجام‌بخش و وحدت‌آفرین و فقدان سیاست‌های قومی معین از سوی نظام، از عوامل مؤثر بر گرایش‌ها و رفتارهای ضد امنیتی اقوام ایران است.<sup>۲</sup> استقرار اقلیت‌های قومی-مذهبی در کشورهای همسایه، تحركات بیگانگان به ویژه دولت‌های هم‌جوار و هم‌زبان با اقوام ایرانی<sup>۳</sup> (پوررحمان برندق، ۱۳۸۸: ۲۱۳-۲۱۲) همراه با سرخوردگی داخلی و هم‌نوایی برخی در زمان‌هایی، موجبات ناآرامی‌های گشته و خساراتی هم به بار آورده است. همین ضرورت‌ها بود که امام خمینی<sup>(ره)</sup> «ایجاد و دامن زدن به اختلافات قومی و قبیله‌ای و شیعه و سنی» (مظاهری، ۱۳۸۹: ۱۲۲) و مقام معظم رهبری «شکاف در وحدت» را از عوامل آسیب‌رسان به نظام دانستند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۲: ۱۵۳-۱۵۲). در این میان، بزرگ‌ترین نهاد رسانه‌ای منتسب به حاکمیت<sup>۴</sup>، صدا و سیمای



۱. در حال حاضر رسانه داخلی و محتوای آن می‌تواند از عوامل تأمین‌کننده یا تهدیدکننده امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد.

۲. در سطح داخلی.

۳. در سطح خارجی.

۴. اصل ۱۷۵ قانون اساسی.

جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند وحدت را محقق کند یا خواسته یا ناخواسته وحدت‌شکن باشد؛ از این رو قانون‌گذار، هم «نظارت درون‌سازمانی» و هم «نظارت برون‌سازمان» را پیش‌بینی کرده است. هر چند، از دیدگاه ارتباط جمعی، بزرگ‌ترین ناظر رسانه‌ای (در هر ارتباطی) و به‌ویژه رسانه‌ای همچون رسانه ملی، همان مخاطب عام یا آراء عمومی است. اگر هر رسانه‌ای مخاطب خود را از دست دهد، بزرگ‌ترین سرمایه‌اش از بین می‌رود و در این میان، فارغ از رمزگذاری و اهداف فرستنده پیام (رسانه ملی)، رمزگشایی و دریافت‌گیرنده (مخاطب وسیع از طیف‌های اکثریت و اقلیت)، در بستری بین‌الاذهانی، موضوعیت می‌یابد. شورای عالی انقلاب فرهنگی هم در نتایج ارزیابی خود تصریح می‌کند: «سازمان صدا و سیما از طریق مجموعه‌های تاریخی-مذهبی در ارتقاء کیفیت تولید فیلم و مجموعه تلویزیونی موفقیت‌های قابل توجهی داشته و در بخش تولید، پخش و پوشش جمعیتی، نسبتاً موفق بوده است. هر چند پوشش جمعیتی در مناطق مرزی کشور همچنان با چالش مواجه است» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴). در این میان، پرداخت نامناسب و بی‌دقتی‌ها می‌توانند سبب آسیب‌رسانی بعضی از سریال‌های تلویزیونی به نشر فرهنگ اسلامی (با تصادم پیام رسانه‌ای عقاید مذاهب) و حرکت تکاملی انقلاب (با تقابل جویی‌گفتمانی در عرصه بین‌الملل) شده و امنیت روانی و ذهنی مخاطب به‌ویژه اقلیت‌های دینی و قومی - را نشانه روند و با تلفیق احساس ناامنی، خاطرها را آشفته کنند و بالأخره با تغییر بینش‌ها و جابه‌جا کردن ارزش‌ها، زیرساخت فرهنگی جوامع را لرزان و سپس متلاشی کنند (حیبی‌راد، ۱۳۹۲). در آسیب‌شناسی این سریال‌ها حول محور وحدت و حفظ حقوق اهل سنت، برخی از این مجموعه‌ها سخنان و رفتارهایی حساسیت‌برانگیز را در بطن خود دارند که «برخی از [این] رفتار و گفتارها احساسات اهل سنت را برمی‌انگیزد و دشمنی و خصومت را بین مسلمانان تشدید می‌کند» (صمیمی، ۱۳۸۶: ۱۹۲) که همین فرض و احتمال آسیب‌رسانی‌های گفتمانی این سریال‌ها، مورد اهتمام این پژوهش است. چرا که بعضی از بخش‌های مجموعه‌های مذهبی-نمایشی تلویزیونی، با توجه به مخاطب قرار دادن جامعه ایرانی و اهل سنت به‌عنوان بخشی از آن - و در گام بعدی، جامعه مسلمانان جهان، در برخی موارد و عمدتاً ناخواسته، مغایر با برخی اصول قانون اساسی برای نمونه اصل ۹، ۱۲ و ۱۷۵ - و آرمان‌های وحدت و صدور گفتمان انقلاب، کار کرده‌اند. این حرکت، تقابل گفتمانی و ناخشنودی مخاطب را در پی داشته که با پیش فرض



فعال بودن مخاطب، کنار گذاشتن رسانه را به دنبال دارد. این خودتحریمی رسانه‌ای و در پی آن رمزگشایی محتوایی از سریال‌ها، مخاطب را به انزوا، تعارض و حتی تقابل می‌کشاند.

## روش‌شناسی

پژوهش حاضر، یک پژوهش استقرایی و اکتشافی است که در بخش گردآوری داده‌های آن، در وهله نخست و مبانی نظری، از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و در گام بعدی به مطالعه موردی هدفمند و گزینشی سریال‌های شاخص آقای داوود میرباقری، یعنی سریال‌های امام علی (ع)، مسافر ری و مختارنامه پرداخته شده است.

در بخش تحلیل داده‌ها، روش تحلیل گفتمان مبنا بوده است؛ به این شرح که گفتمان سریال هم در متن (رمزگشایی‌هایی که مخاطب از متن سریال می‌کند) و هم فرامتن (مسائلی که پیرامون سریال آفریده شده) تحلیل شده و نهایتاً در مقام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از سناریوسازی استقرایی، استمداد شده که به دلیل کمتر شناخته شدن این روش / ابزار، مختصراً تصریح و تشریح می‌شود.

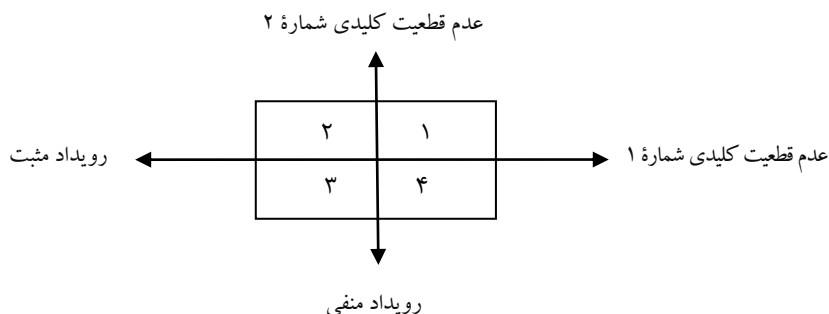


## روش / ابزار سناریوسازی

سناریوها توصیف زنده‌ای از آینده قابل قبول است (لیندگرن و بندهولد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۲۲). برای استخراج آینده از دو نوع سناریو استفاده می‌شود: استنتاجی و استقرایی. سناریوی استنتاجی رویکرد بالا به پایین را به دست می‌دهد و بسته به تکامل روندها در طی زمان، تولید سناریو، رهبران را قادر می‌سازد دسته‌ای کوچک از رویدادها و اقدامات استراتژیک خاص را رصد کنند. سناریوهای استنتاجی را ارزشی می‌گویند؛ زیرا با ارزیابی مقاصد، نیازها و تمایلات آینده آغاز و به زمان حال برمی‌گردند. سناریوهای استقرایی رویکرد پایین به بالا را دست می‌دهند که منجر به نوآوری می‌شود. این نوآوری، اجازه پیش‌بینی مسائل کاملاً جدید و روندهایی را می‌دهد که ممکن است نیازها و خواسته‌های مشتری را در آینده برآورده سازد (فارینگتون<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۳: ۵۷). «تفکر سناریو تجزیه و تحلیل روابط بین این

1. Lindgren and Bandhold  
2. Farrington

موارد است: ابهام‌هایی شاخص، روندهای مهم از پیش تعیین شده و رفتار بازیگرانی که سهمی در آینده خاص دارند (که متمایل به حفظ و افزایش منافع خود هستند). ذی‌نفعان مهم تحت تأثیر و درگیر، سناریوها را محقق و عملیاتی می‌کنند. وقایع ناگهانی داده‌های اطلاعاتی هستند که بر تصمیم‌گیرندگان سطوح بالا تأثیرگذار هستند. اندیشه سناریو می‌تواند به این امور کمک کند: اقدام زود هنگام احتمالی و تشخیص زود هنگام فرصت‌ها. روش سناریو شامل اجزایی است که به آفرینش دیدگاهی جایگزین از آینده کمک می‌کند و همچنین اعتماد به نفس نامناسب بالقوه را هم در گزینش آینده خوش‌بینانه و هم آینده موثق- با چالش مواجه می‌کند» (رایت و کایرنز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۲۳-۹). ابزار اصلی در سناریوسازی، «ماتریس سناریو» نامیده می‌شود. ماتریس سناریو چارچوبی بصری برای استخراج سناریوهاست؛ پایان‌هایی از رویدادی مشترک. دو ابهام مهم به‌عنوان دو بعد نهایت ماتریس (عدم قطعیت‌ها) را ابعاد سناریو می‌نامند. برای هر یک از ابعاد سناریو بایستی دو حد تعریف شود. ماتریس متشکل از ۴ ربع منعکس‌کننده ۴ سناریوی متمایز آینده است.



شکل ۱. ماتریس سناریو (والف<sup>۲</sup>، مبینر<sup>۳</sup> و استابنر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰: ۲۲)

روش سناریو پنج مرحله دارد: (۱) نظر به کلیت سیستم، (۲) مشاهده آنچه در حال رخ دادن است، (۳) ساخت داستان‌هایی درباره آنچه می‌تواند رخ دهد، (۴) جستجوی آنچه می‌تواند و باید انجام شود و (۵) عمل برای تغییر سیستم (کاهان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲: ۲۳-۲۲). توافق بر

1. Wright and Cairns
2. Wulf
3. Meißner
4. Stubner
5. Kahane

عدد ۴ در سناریونویسی یک منطق دارد و آن اینکه «دو سناریو موجب تضاد می‌شود، سه سناریو نیز این معنا را به‌طور ضمنی در بردارد که یکی از این سناریوها بهترین سناریو است و دو سناریوی دیگر افراطی هستند. بیش از پنج یا شش سناریو نیز بیهوده است؛ چرا که موجب پراکندگی افکار شده و تمرکز ذهنی را به هم می‌ریزد و تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی بر پایه سناریو را دشوار یا غیرممکن می‌سازد» (انجمن آینده‌نگری ایران، ۱۳۸۹: ۱۲). حال، سناریوهای به‌خدمت گرفته‌شده در نتیجه‌گیری این مقاله استقرایی است که از حال شروع شده و چهار آینده مفروض را ترسیم می‌کند.

### پرسش‌های تحقیق

در پژوهش حاضر با مطالعه موردی و هدفمند سه سریال شاخص تاریخی-مذهبی داوود میرباقری، یعنی سریال‌های امام علی (ع)، مسافری و مختارنامه، مسائل اصلی مورد پرسش از این قرار است:

- ۱) پیامدهای عدم رعایت موازین وحدت اسلامی و مصالح کشور در ساخت و توزیع محتوای برخی مجموعه‌های مذهبی تلویزیونی هر چند غیر عامدانه- چیست؟
- ۲) رمز‌گشایی درون‌متنی مخاطب ناخشنود اهل سنت از این سریال‌ها چگونه است؟
- ۳) رمزهای درون‌متنی و فرامتن‌گفتمان این سریال‌ها چگونه به امنیت ملی آسیب خواهد زد؟

### ادبیات نظری تحقیق

از آنجایی که رویکرد نظری این تحقیق مخاطب‌محور است، نظریه‌های استفاده، رضامندی و مدل رمزگذاری-رمزگشایی انتخاب شده‌اند.

#### الف) نظریه استفاده و رضامندی

نظریه استفاده و رضامندی ضمن فعال انگاشتن مخاطب، بر نیازها و انگیزه‌های او در استفاده از رسانه‌ها تأکید می‌کند و بر آن است که ارزش‌ها، علایق و نقش‌های اجتماعی مخاطبان مهم است و مردم بر اساس این عوامل آنچه را می‌خواهند ببینند و بشنوند، انتخاب می‌کنند. مجموعه نیازها و انگیزه‌های مخاطب در استفاده از رسانه‌ها را می‌توان در چهار مقوله اصلی جای داد: ۱) آگاهی و نظارت، ۲) روابط شخصی، ۳) هویت شخصی و ۴)



سرگرمی و گریز از واقعیت (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۷۹-۷۶). اما در این میان، سه دسته اصلی از عوامل مؤثر بر نیاز مخاطب عبارتند از: ۱) جمعیت‌شناسی (شرایط اجتماعی)، ۲) روانی و ۳) متغیرهای محیطی یا متنی. هدف این رویکرد، جلوگیری از تأثیرات منفی آسیب‌رسانی به مردم و ترویج تأثیرات مثبتی است که می‌تواند به مردم و تولیدکنندگان رسانه‌ای کمک کند تا با ابزارهایی، هر دو امر را محقق کنند (رینهارد و دروین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۵۱۴-۵۰۶). اصول مرکزی این رویکرد عبارتند از:

- ۱) استفاده از رسانه مستلزم انگیزش شخصی (میل مخاطب) است.
- ۲) به همان نسبت که زمینه اجتماعی انگیزش‌ها را شکل می‌دهد، آنها بر حسب علایق و نیازهای مشهود و اساساً منطقی هستند.
- ۳) مخاطبان (به‌عنوان افراد) به برخی انگیزه‌ها واکنش نشان می‌دهند (دلایلی برای رفتارشان).

۴) این انگیزش‌های بیان‌شده، تفسیری از انتخاب و استفاده از رسانه دست می‌دهند.

- ۵) انواع و سطوح متفاوتی از انگیزش‌ها احتمالاتی از تأثیر رسانه‌های جمعی (مشتق از رسانه و نوع محتوا) به دست می‌دهند و به سطوح متفاوتی از رضایت عمل می‌انجامند (مک‌کوئیل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۸۰۴-۸۰۰).

#### ۱) نقد نظریه

اگر چه این رویکرد به پژوهش‌های تطبیقی، فایده و اعتبار بخشیده، برخی انتقادهای موضوعی به آن وارد شده است. ایراد نظری اصلی از منظر منتقدان، این است که رضامندی واقعاً نظریه نیست، بلکه چارچوب یا مدلی برای سازمان‌دهی انواع متغیرهاست. نه خود چارچوب بلکه به درجه قابل قبولی به بسیاری از عناصر جداگانه این چارچوب، همچون کل اعتبار داده شده است. با وانهادن اتهامات کلی، ناگزیر خطاهای کارکردگرایی، رفتارگرایی، ذهن‌گرایی و محافظه‌کاری به این رویکرد تحمیل شده است. همچنین گفته می‌شود که فرض عقلانیت مخاطب در استفاده از رسانه بنیان ضعیفی دارد. با اذعان به این واقعیت که استفاده از رسانه واقعاً انگیزشی نیست، بلکه موضوعی مربوط به عرف یا عادت است.

1. Reinhard and Dervin
2. McQuail



## ۲) جمع‌بندی کاربردی

با وجود انتقادات، محدودیت‌ها و مشکلات، این رویکرد اثبات کرده است که توانسته قدرتمند بماند و روزآمدی‌اش را حفظ کند. این رویکرد برای بررسی برجسته‌سازی و درک جذابیت (برنامه‌های سرگرمی) راهگشاست (همانجا). بنابراین، پژوهش با پذیرش فرض‌های این رویکرد و این مسئله پیش می‌رود که شبکه تلویزیونی دولتی برای اقناع مخاطبش تولید و عرضه محتوا می‌کند (مشروعیت‌زایی داخلی و حفظ منافع ملی بین‌المللی) و مخاطب اقلیت اهل سنت در دایره بزرگ هویتی‌اش بر اساس ارزش‌ها، علایق و نقش‌های اجتماعی‌اش قضاوت می‌کند. از آنجا که تلویزیون دولتی در راستای اکثریت یا نخبگان اکثریتی عمل کرده، این عمل، ناخشنودی اقلیت اهل سنت را از پیام رسانه‌ای موجب و او را به تقابل می‌کشاند. تقابلی که به دلیل جایگاه هژمونی رسانه سلبی‌ست؛ یعنی عدم استفاده و خود-تحریمی رسانه‌ای.

### ب) نظریه رمزگذاری-رمزگشایی

استوارت هال در مقاله «رمزگذاری/رمزگشایی گفتمان تلویزیونی» (۱۹۷۳)، بر این تأکید دارد که در چارچوب گفتمانی‌ست که چرخش تولید و توزیع محتوا به مخاطبان متفاوت رخ می‌دهد. گفتمان باید در تجارب اجتماعی ترجمه دوباره تبدیل-شود. اگر معنادهی صورت نگیرد، نمی‌تواند مصرف شود. پیش از آنکه یک پیام تأثیر داشته باشد، نیازی را برآورده سازد یا استفاده شود، باید نخست به‌عنوان گفتمان معنادار منظور گردد و به‌صورت معناداری رمزگشایی شود. هیچ گفتمانی هم بدون عمل رمزگذاری فهم نمی‌شود؛ مثلاً در گفتمان تلویزیون، سه موقعیت فرضی رمزگشایی از آن عبارتند از:

۱) **موقعیت سلطه غالب:** هنگامی است که بیننده نمی‌تواند غیر از آنچه گویندگان تلویزیون یا برنامه‌های روزمره می‌گویند، معنایی کنند و پیام را بر حسب رمزهای مرجعی که رمزگذاری شده‌اند، رمزگشایی می‌کند.

۲) **رمزگشایی یا موقعیت مذاکره‌ای:** هنگامی است که اغلب مخاطبان احتمالاً هر آنچه را که معنادهی شده است به‌اندازه کافی درک می‌کنند، رمزگشایی در اینجا مخلوطی از عناصر سازگار و مخالف است.

۳) **رمزگشایی تقابلی:** هنگامی که بیننده گفتمان را درک می‌کند، اما رمزگشایی پیام را کلاً خلاف آن انجام می‌دهد. او ممکن است پیام را در کدی ترجیحی بازگشایی کند تا





پیام را در چارچوبی جایگزین مرجع احیا کند (هال، ۱۹۷۳: ۱۳۸-۱۲۸).

#### ۱) نقد نظریه

پلای<sup>۱</sup> در بازخوانی این مدل، این نقدها را وارد کرد:

۱) استفاده از اصطلاح «خوانش مذاکره‌ای» هال به یک موقعیت رمزگشایی منحصر به فرد فرضی اشاره دارد.

۲) سه دسته‌بندی او، گویای گوناگونی گفتمانی جامعه نیست و خوانش‌های متفاوت محتملند. تفاوت‌ها [ی خوانشی] تنها بر حسب عوامل بیرونی به متن [و] خوانش‌های مخاطبند، نه بر حسب خود متن.

۳) یکی دیگر از مشکلات، فرض هم‌ارزی میان معنای موردنظر، خوانش مورد نظر و ایدئولوژی غالب است.

۴) تولید سوژه‌ها و موقعیت‌های سوژه در فرایند رمزگذاری و رمزگشایی و روابطشان با ذات متن، عمدتاً در رمزگذاری و رمزگشایی نادیده انگاشته می‌شود (پلای، ۱۹۹۲: ۲۳۱-۲۳۲).

«هال همچنین، بحثی از چندمعنایی متن نمی‌کند و به شدت به قدرت ایدئولوژیک رسانه علاقه مند است؛ هر چند مدل او را کسانی که بر روی رسانه‌های سرگرمی یا داستانی کار می‌کنند با آغوش باز پذیرفتند» (نایتینگل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۵۱۰).

#### ۲) جمع‌بندی کاربردی

در اینجا با قبول فرض‌های این مدل، به رمزگشایی درون‌متنی مخاطب اهل سنت از گفتمان سریال‌های تاریخی-مذهبی در گفتمان بزرگ‌تر هویتی‌اش (اهل تسنن بودن و اقلیت بودن) اهتمام می‌ورزیم. سپس، این رمزگشایی درون‌متنی گفتمانی را به فرامتن گفتمان (جریان‌ها و حوادث معطوف به مسئله) سریال‌ها پیوند می‌دهیم.

### حضور اهل سنت در گفتمان جمهوری اسلامی ایران

از آنجا که عرصه‌های تولیدی گفتمان و ادبیات سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup> تأکید و تکیه بر مردم و مشروعیت سیاسی برگرفته از قدرت مردمی و مشارکت سیاسی آحاد ملت

1. Pillai
2. Nightingale



(مظاهری، ۱۳۸۹: ۱۱۹) در سرنوشت خود بود، عطف به عنوان این بخش توجه به دو عنصر در این گفتمان حائز اهمیت است؛ یکی درونی و دیگری بیرونی؛ یعنی وحدت مذهبی و صدور انقلاب.

### الف) عنصر درونی: وحدت اسلامی با رویکرد تقریب

رهبر انقلاب همانند امام راحل، وجود وحدت میان طرفداران را به عنوان یک اصل اساسی برای حفظ کیان و انقلاب ضروری می‌داند و هدف رهبران انقلاب، در وهله نخست، اسلامی و دینی بودن و بعد، امر سیاسی است (حاجی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۶). تأکید بر برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم و قائل بودن به حقوق مساوی برای همه مردم بدون توجه به قوم، قبیله، رنگ، نژاد و زبان-هم در قرآن و هم در قانون اساسی آمده است. هر چند بر مفهوم وحدت دو ایراد وارد شده است:

۱) این مفهوم هنگام طرح در یک محفل دینی، بر فرض عدم درکش، خود را نفی می‌کند؛ به این معنا که احساسی منطقی از فضای اجتماعی فاقد احساس وحدت و تقریب منبث می‌شود.

۲) واژه وحدت در ذات خود دارای اشکال داخلی است، چون به جای نظر به کثرت فرهنگ به وحدت گرایش دارد (حبیب‌الله، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۱).

اما واژه آشنای دیگری در این مقال، واژه «تقریب» است؛ برای نزدیک شدن به مقصود باید به تفاوت میان این دو پرداخت. واژه «وحدت» دو بعد دارد: ۱. بعد سیاسی-اجتماعی و ۲. بعد علمی-فرهنگی. مقصود از بعد اول، جبهه‌گیری است که به اسم مصلحت عالیة اسلامی در صف واحد در برابر دشمنان اسلام قرار می‌گیرد و معنای مستفاد از بعد دوم نیز همان تقریب مذاهب اسلامی است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۵۴: ۵۰۳). پس تقریب در اصطلاح، دعوتی است اسلامی برای نزدیک کردن شیعه و سنی با حفظ کیان طرفین که بر پایه علم و خرد و نه عواطف و احساسات زودگذر بنیان نهاده شده است (همان: ۲۵). بنابراین، در طرح مباحث اختلافی، هر چند در کلام وحدت بیان می‌شود، تقریب اراده می‌گردد.

### ب) عنصر بیرونی: صدور انقلاب

اصل چهارم قانون اساسی به عنوان اصل حاکم که اشاره به حاکمیت قوانین اسلامی بر تمام شئون و قوانین دارد، بر سیاست خارجی ایران نیز ساری و جاری است و معطوف به همین



موضوع، سیاست‌های ایدئولوژیک دارای مشخصه‌هایی همچون: ۱. تفکر فراملی به جای ملی، ۲. رویارویی با نظام بین‌الملل و ۳. آرمان‌گرایی دفعی گرا به جای آرمان‌خواهی تدریج‌گرا هستند (رنجبر، ۱۳۷۹: ۶۸). صدور انقلاب ایران را می‌توان به معنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی دانست که به دلیل ماهیت جهان‌شمول دین اسلام به نوعی متضمن آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی دیگران است. در اینجا نیز هر چند استیلای تفکر تشیع در مرزهای ایران بدیهی است، لکن صدور انقلاب، با ملاحظه تعامل با مذاهب و ادیان مختلف و اقتضائات پیروان آن ادیان معنا دارد و نه تحمیل تشیع دفعی به همه آنها و گرنه این گفتمان تقاطعی پارادوکسیکال از وجوه نابرابر خواهانه شده و همین امر، انشقاق گفتمانی را ایجاد می‌کند (اطهری و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۹۸).

### مسائل اهل سنت بر محور منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

از آنجا که «فقه» - که مرجع تأسیس مبانی دینی در نظام سیاسی ایران است - هم آرمان‌گراست و هم دارای جنبه رئالیستی، مبانی امنیت ملی ایران را هم باید از دیدگاه آرمان‌گرایی نگریست و هم از نگاه واقع‌گرایی فقهی (شاکری، ۱۳۸۱: ۹۴). حال آیا آرمان‌گرایی در فقه و نظام سیاسی تصادم یا تقابلی با حقوق اهل سنت داشته یا دارد؟ نخست اینکه وزن رئالیستی در فقه توازن برقرار می‌کند و مانع از سنگینی کفه ترازو به سمت آرمان‌گرایی است. نکته دیگری که همواره در نظریه‌های سیاسی اهل سنت باید به آن توجه نمود، «تجلیل» از سیاست حاکم به جای استنتاج رأی شرعی و «تحلیل» آن بوده و اگر تحلیلی بیان شود، تحلیلی تجلیلی در توجیه عملکرد زمامداران است (حاتمی، ۱۳۸۴: ۹۰؛ به نقل از کدیور، ۱۳۷۶: ۷۶). حتی در متون اهل سنت این اصل پذیرفته شده که وجود «حاکم جائز حافظ دین» بهتر از «آشفته‌گی آسیب‌رسان به دین» است؛ البته دو جریان متنافر اهل سنت، از این اصل عدول کرده‌اند:

۱) جریان افراطی-نوگرا که در صدد دست‌یابی به قدرت انحصاری برای پیاده کردن قوانین اسلامی با قرائت خود است.

۲) جریان سلفی-سنت‌گرا که آن هم در پی قدرت برای اجرای ویژه‌ای از قوانین است. با اغماض از دو گروه مذکور که در میان اهل سنت ایران، جایگاه و پایگاه چندانی ندارند، زمینه پذیرش، غالب بر زمینه تقابل است؛ خاصه آنکه بنا بر نظر امام خمینی (ره) و



امام موسی صدر، انکار اصل امامت شیعه توسط سنی مذهب، او را کافر یا منکر عائل بدیهی و آشکار نخواهد کرد (حبیب‌الله، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۱).

### حقوق اقلیت‌های دینی در رسانه ملی

قرضاوی درباره گفتگو با مخالفین (کسانی که در عقیده از جنس شما نیستند) می‌گوید که در اینجا تأکید بر احسن بودن است؛ چه در کلام و چه رفتار. بهترین رویه در اینجا تمرکز بر اشتراکات و پرهیز از مسائل اختلافی است. در نتیجه نفرین و دعاهایی که احساسات دیگران را خدشه‌دار می‌کند و هر گونه تحریفی در اسلام مردود است (قرضاوی، ۱۳۹۰: ۷۴-۵۳). دارابی نیز اهم ملاحظات طرح مباحث دینی در رسانه را چنین می‌داند:

الف) اعتلای دین، اشاعه فرهنگ اسلامی و ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه

ب) پرهیز از عوام‌گرایی در طرح مباحث دینی

ج) تأکید بر عقلانیت در طرح مباحث دینی

د) افزایش هم‌گرایی و همدلی میان تشیع و تسنن، به‌منظور تقویت پاره فرهنگ‌ها برای

فراگیری‌شان فرهنگ دینی و ملی

ه) پرهیز از اشاعه اندیشه‌های تجدیدنظرطلبانه، متحجرانه و واپس‌گرا در طرح مباحث

دینی (دارابی، ۱۳۸۹).

حسینی اسفیدواجانی در کتاب حقوق مخاطب در برابر رسانه‌های جمعی ایران، انگلیس و آمریکا، در نتیجه‌گیری خود از مبحث حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی، می‌گوید: با توجه به بررسی اصول قانون اساسی و به‌لحاظ ممنوعیت تبعیض مبتنی بر مذهب، برای رعایت دقیق نظام طراحی شده در قانون اساسی، در ارتباط با مذاهب مختلف اقدام‌های زیر الزامی است:

۱. «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است» ولی «مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند». لذا احترام کامل به سایر مذاهب اسلامی نمی‌تواند ولو با انگیزه تبلیغ معارف اصیل شیعه، زیر پا گذاشته شود.

اولاً، در طرح مسائل اختلافی و حساسیت‌برانگیز باید نهایت دقت در زمینه رعایت دقت و صحت، برخورداری از پشتوانه اطلاعاتی مناسب و ذکر منابع و رعایت مصالح زمان و



مکان از طریق هماهنگی با مسئولان سازمان صورت گیرد.

ثانیاً، برنامه‌سازان باید آمادگی اصلاح اشتباهات برنامه‌ای و در موارد لزوم تضمین حق پاسخ‌گویی یا عذرخواهی و اعاده‌ی حیثیت را داشته باشند.

۲. به‌طور قانونی «انتشار مسائلی که موجب لطمه زدن به احساسات دینی، وحدت ملی و ایجاد تشنج در جامعه گردد»، ممنوع است و «تلاش در جهت توسعه و تحکیم برادری اسلامی بین همه‌ی مذاهب و فرق اسلامی و همبستگی با اقلیت‌های دینی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند» به‌عنوان یکی از خط‌مشی‌های اصلی صدا و سیما، قانوناً تصریح شده است. البته «بدیهی است که در این میان، تکیه اصلی باید بر اکثریت‌های اعتقادی (مسلمانان) باشد»، اما این امر نباید حتی بدون سوء نیت، منجر به توهین، بی‌احترامی، هتک حرمت و حیثیت اقلیت‌ها شود» (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹). از این‌رو در شمارش ضوابط مکتوب و نامکتوب تولید برنامه‌های دینی تلویزیونی، لحاظ منافع ملی و دامن نزدن به اختلافات دینی، یک اصل اصیل است (منتظر قائم و معتمدی، ۱۳۸۹: ۴۲-۵۴).



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۳۱

### بررسی گفتمانی سریال‌های دینی منتخب تلویزیونی

رمزگشایی اهل سنت  
از سریال‌های ...

اصولاً مجموعه‌های تاریخی-مذهبی همیشه از سوی عالمان دینی مورد نقد بوده است؛ حتی فیلم «الرساله» یا «محمد رسول‌الله» (۱۹۷۶) به کارگردانی مصطفی عقاد، کارگردان سرشناس سوری، را الأزره با حکم تجسید «خلاف شرع» دانست (جادالحق، ۱۹۸۰). فیلم محمد رسول‌الله (۲۰۱۵) به کارگردانی مجید مجیدی با حکم تجسید حتی انعکاس‌های شدیدتری در پی داشت: همچون «استهزاء به دین و شریعت» (رابطه‌العالم الإسلامی، ۲۰۱۵) و «تأثیرگذاری منفی بر مردم» (سنی آنلاین، ۲۰۱۵).

بر سریال‌های تاریخی-مذهبی مورد مطالعه ما نیز کارشناسان دینی نقدهایی جدی وارد کرده‌اند؛ همچون نقدهای سید جعفر شهیدی، بهاء‌الدین خرمشاهی، حجت‌الاسلام فاطمینا به سریال امام علی<sup>(ع)</sup>؛ نقدهای آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله میلانی و آیت‌الله حسینی قزوینی به فیلم و سریال مسافر ری؛ یا نقدهای مولوی عبدالحمید بر سریال مختارنامه. هرچند پژوهش صورت گرفته در مورد سریال‌ها مفصل و مطول است ولی در اینجا به‌واسطه‌ی محدودیت فضا و به فراخور موضوع مقاله و نقدهای واردشده، تنها به ذکر نمونه‌های شاخصی از صحنه‌های سریال و دیالوگ‌هایی که از منظر اهل سنت، به اختلافات مذهبی دامن زده است، بسنده می‌شود.



## ۱. سریال امام علی<sup>(ع)</sup>؛ نقطه عطف تولید رسانه‌ای

سریال امام علی<sup>(ع)</sup> را باید نقطه عطفی در تولید سریال‌های تلویزیونی مذهبی دانست؛ چرا که اولاً تا پیش از آن، هیچ‌گاه سریالی مستقیماً به معصومین شیعی نپرداخته بود و ثانیاً برهه تاریخی این سریال، اساساً محل اصلی اختلاف مذاهب اربعه با شیعیان است. از این رو این سریال در زمان خود، با مقاومت‌ها و مخالفت‌هایی از سوی اقشار مختلفی از اهل سنت مواجه شد و گاه به رمزگشایی‌هایی در میان مخاطب اهل سنت از متن سریال منجر شد که در فرامتن، تقابل آفرین شد. نمونه‌هایی از این رمزگان‌ها عبارتند از:

- در متن سریال چهره‌ای که از عثمان بن عفان نشان داده می‌شود، چهره‌ای به‌غایت سست و متزلزل است که حتی به توبه می‌افتد.

- در یک صحنه مالک اشتر، فرمانده امام علی<sup>(ع)</sup> در حالتی بر سعد بن ابی وقاص وارد می‌شود که در حالت خواندن *اوستا* است و به آیین زرتشت روی آورده است.

- طلحه و زبیر به‌عنوان افرادی سودجو و منفعت‌پرست روایت شده‌اند که حتی ظواهر اسلام را هم رعایت نمی‌کنند. همچنین تمثیلی که از طلحه نمایش داده شده، بی‌شبهت به تمثیل سلفی‌ها (تندروهایی همچون سپاه صحابه پاکستان) نیست؛ ریش‌بلند و سیبل تراشیده.<sup>۱</sup> این‌گونه بازنمایی، فرامتن‌هایی در مورد سریال به‌وجود آورد که شکل تقابلی دارد؛ «متأسفانه این کارها تازگی ندارد. در فیلم امام علی<sup>(ع)</sup> هم این مسئله بود. امروزه، دنیا، دنیای منطق است؛ دنیای استدلال است. اگر این‌ها راست می‌گویند پس چرا به ما اجازه نمی‌دهند تا از همین رادیو و تلویزیون ایران از خودمان دفاع کنیم؟ اگر اجازه ندادند پس معلوم است که دروغ است» (امینی، ۱۳۸۹).

این بازخوانی یکی از روحانیون اهل سنت پس از نزدیک بیست سال از پخش این سریال است؛ اما چرا مجموعه‌ای تلویزیونی تاریخی-مذهبی که قرار است از تاریخ اسلام بگوید، با فراوانی منابع تاریخی و حضور طیف گسترده‌ای از روحانیون و اسلام‌پژوهان، جای ایراد است؟ خود کارگردان این مجموعه تلویزیونی پاسخ می‌گوید: «هشتاد درصد این سریال تخیل است که در ارتباط با درک و دریافت از تحقیقات در تاریخ اسلام به این نتایج رسیده‌ام. اگر چه بیست درصد مکتوب تاریخی اساس قرار گرفت، ولی چندان بی‌ربط

۱. درحالی‌که اهل سنت این چهار تن را از زمره عشره مبشره می‌دانند؛ کسانی که بنا بر حدیث شریف، رسول خدا (ص) به آنها وعده بهشت داده است (أبو داود، ۲۰۰۷: ۲۱۱؛ النسائی، ۱۹۸۴: ۲۸؛ الترمذی، ۱۹۵۶: ۶۵۱؛ ابن ماجه، ۱۴۱۷: ۳۹).

با تخیلات نیست و منشأ آن به اسناد تاریخی برمی گردد» (سروش، ۱۳۷۵). در اینجا باید تأمل کرد که تخیلات تا کجا و با چه محدودیت‌هایی می‌تواند در ساخت یک سریال مهم دینی، به ویژه در محل نزاع و افتراق میان مذاهب، نقش ایفا کند؟ وی در جایی دیگر می‌گوید: «شما می‌خواهید به یک تصویر از حضرت مولا<sup>(ع)</sup> برسید، واقعاً چگونه تصویرش می‌کنید؟ بنا بر آنچه به عنوان سند و مکتوبات تاریخی پیش‌رو دارید؟ یا آنچه ذهنیت شما در طول تاریخی دور از این ابرمرد ساخته است؟ کدام یک؟ کجا می‌ایستید که ایجاد تنش نکنید و مفاهیم کارتان بر اثر این تنش‌ها شهید نشود؟» (ایران، ۱۳۷۵).

در میان اندیشمندان شیعی نیز کسانی مانند سید جعفر شهیدی، بهاء‌الدین خرماشاهی و حجت‌الاسلام فاطمی‌نیا در سندیت تاریخی حوادثی که در این سریال به نمایش درآمده، تردید کرده‌اند. در انتها، سخن فیاض از این سریال تاریخی-مذهبی قابل تأمل است: «سریال امام علی<sup>(ع)</sup> آقای میرباقری، تلفیقی از مارکس و فروید، یعنی دوپایه فیلم‌های مدرنیستی بود» (فیاض، ۱۳۸۹).

## ۲. سریال مسافری

تجربه‌ای دیگر از فیلم و سریال تاریخی-مذهبی، «مسافری» بود که درباره حضرت عبدالعظیم حسنی ساخته شد و رمزگشایی جمعی از اهل سنت، به تقابل فرامتنی با آن منجر شد: «در این فیلم، میرباقری از دریچه ذهن خویش، وقایع این سفر را به تصویر کشیده است... مسافری، ساختاری دارد که فقط نشانه‌های مؤلف خود را در آن انباشته دارد» (بصیری، ۱۳۸۱: ۶۴). دکتر قزوینی پس از نقدی مفصل از سریال، این قول متفق آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله میلانی را در این باره آورده که نامبرده در جای‌جای فیلم القاء شبهه می‌کند (حسینی قزوینی، ۱۳۸۵).

در ابتدای این فیلم، مشاور متوکل به او می‌گوید: «علمای مالکی، شافعی، حنبلی و حنفی را تکلیف به شور کردم تا بر زیارت قبور اولاد علی فتوا دهند. مرده‌پرستی و طواف بر غیر کعبه شرک است و حرام». بعد از این سخن و در حین گفتگو، متوکل دستور به تخریب قبر امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌دهد. نمایش تخریب قبر امام حسین<sup>(ع)</sup> پس از سخن از فتوای علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت، در ذهن تداعی‌کننده این است که اهل سنت فتوا به تخریب داده‌اند و اصولاً با زیارت قبر آل بیت<sup>(ع)</sup> مخالفند؛ اما آیا واقعاً چنین بوده یا هست؟ شربلانی حنفی در *مراقی الفلاح* - که آن را بر اساس آرای ابوحنیفه جمع‌آوری کرده -





زیارت قبور را جایز دانسته (الشرنبلالی الحنفی، ۲۰۰۴: ۲۲۴). شافعی در الأم از قول مالک از ربیع بن ابی عبدالرحمن از ابوسعید خدری خبر داده است که رسول خدا (ص) فرمود: «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَرُورُهَا» (الشافعی، ۲۰۰۱: ۶۳۴). مالک در موطا هم این حدیث را با همان راوی آورده است (ابن انس، ۱۹۸۵: ۴۸۵). ابن حنبل در مسند ادله این نسخ حکم را عبرت آموزی عنوان می کند (ابن حنبل، ۲۰۰۸: ۲۳۶۹). حاکم نیشابوری این حدیث را ناسخ حدیث های منسوخ ناهی زیارت آورده است و به نقل از انس بن مالک معرفت امر را «رقت قلب و جاری شدن اشک و یادآوری آخرت» می داند (الحاکم النیشابوری، ۲۰۰۲: ۵۳۲-۵۳۰).

### ۳. سریال مختارنامه

در بخشی از مختارنامه که جدیدترین نمونه این پژوهش است، در گفتگویی که میان مختار و دلهم، همسر زهیر بن قین، روی می دهد، دلهم به او می گوید: «همان دستی که سجاد را بیمار کرد تا شیعه بی امام نماند تو را چنین گذاشت تا انتقام گیرنده باشی. شیعه منتقم می خواهد». رمزگشایی های که مخاطب شیعی از این صحنه می کند چیست؟ اینکه تو هم در حال می توانی منتقم باشی؟ اما دلالت و مقصود این انتقام از کیست؟ جعفری، در گفتگویی با عنوان «مختار، منتقم خون حسین (ع) نیست» می گوید: «باید پرسید حق قصاص و انتقام و خون خواهی برای چه کسی است و آیا هرکس که حتی فرزند امام باشد چنین ولایتی دارد و حق انتقام و خون خواهی؟ مختار ممکن است مثلاً قاتلان را بکشند، اما این جایگاه، جایگاه ولی خداست» (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۷). استاد مطهری هم معتقد است: «جای تردید نیست که مختار مرد بسیار سیاستمداری بوده و روشش هم بیش از آنکه روش یک مرد دینی و مذهبی باشد، روش یک مرد سیاسی بوده است. مختار مدتی به نام نیابت از مهدی زمان، بازی سیاسی خودش را انجام داد»<sup>۲</sup> (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۸۱).

خارج از بحث فقهی، چنانکه در مورد سریال مسافر ری آورده شد، کارگردان بیشتر صحنه ها و گفتگوهای این سریال را هم «از دریچه ذهن خویش» نگریسته است. در همان زمان سید احمد دانش در «یکی از ۱۴ سؤالی که مختارنامه هیچگاه به آنان پاسخ نداد»

۱. شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، از این به بعد زیارت کنید.

۲. علامه مجلسی در بحارالانوار می گوید: بیشتر علمای شیعه دیدگاه مثبتی به مختار داشته اند، اما من در مورد او

توقف می کنم (المجلسی، ۱۹۸۳: ۳۳۹)



نوشت: «آیا مختار فعلی حاصل نگاهی واقعی و تاریخی است یا شخصیتی زاینده تخیل کارگردان است که بدون توجه به منابع تاریخی، شخصیت موردعلاقه خود را خلق کرده است؟ آیا میرباقری مختار خود را ساخته یا مختار تاریخ را؟»<sup>۱</sup> (دانش، ۱۳۹۰).

حتی اگر منتقم بودن مختار را بپذیریم و در این مباحث وارد نشویم، رمزگشایی‌های که برخی از مخاطبان اهل سنت از متن سریال کردند، چهره‌ای منافق و دوستدار مناصب مادی و دنیایی و فتنه‌گر از شخصیت مصعب بن زبیر بود؛ «مرد شجاع و کریم و همان کسی... که در قضایای کوفه و مختار و بعد هم عبدالملک در گیر و شوهر حضرت سکینه هم بود؛ یعنی اولین داماد امام حسین» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷) و کسی که حضرت سکینه پس از قتلش مرثیه‌گوی او بود (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۹۵؛ علوی عمری، ۱۳۸۰: ۲۸۲).

همچنین در مورد عبدالله بن زبیر، صحابی رسول خدا، کسی که اهل سنت او را راوی حدیث و از کاتبان و حافظان نخستین قرآن می‌دانند<sup>۲</sup> (الدمامینی، ۱۴۳۰: ۵۱۴). خطاب کردن این شخص به عنوان فرزند ناخلف زبیر، حرص ورزی و عدم پایبندی او به موازین اسلام و... در فرامتن این سریال، صدای اعتراض اهل سنت داخلی و خارجی را بلند کرده است؛ از مولوی عبدالحمید، امام جمعه مسجد مکی تا مفتی‌ها و علمای الازهر.

عبدالحمید در خطبه‌های نماز جمعه ۱۹ شهریور ۱۳۸۹ گفت: «در این سریال به مقدسات اهل سنت اهانت می‌شود و در این باره مردم به ما مراجعه کرده‌اند، بنده به مدیریت صدا و سیمای کشتو تذکر می‌دهم که این موارد را هر چه سریع‌تر اصلاح کنند. در این گونه سریال‌ها کلماتی عنوان می‌شود و افرادی مورد لعن قرار می‌گیرند که اگر در این باره اعتراض شود، دست‌اندر کاران آن می‌گویند منظور ما فرد دیگری بوده است. باید

۱. خود میرباقری پاسخ می‌گوید: من برخی بیانات تاریخی را نمی‌توانم قبول کنم و شخصیت‌های من نباید تناقض داشته باشند؛ مثلاً سر سریال امام علی<sup>(ع)</sup> من نتوانستم قبول کنم که مالک اشتر در یک مهمانی عسل خورد و مرد. این عسل باید به‌زور به دست او رسیده باشد... شباهت بسیاری بین حوادث تاریخی آن دوران و اتفاقات ۲۰ الی ۳۰ ساله اخیر مرا مصمم کرد و برای ساخت این مجموعه ترغیب کرد (جامعه خبری تحلیلی الف، ۱۳۹۰). واژه‌گزینی در دیالوگ‌های این سریال از قبیل فتنه، منافقین کوردل و... به اقتضای ادبیات امروزی و نه تاریخ (خیمه، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۲). به‌زعم منتقد سینما و تلویزیون، فکری ارشاد، میرباقری حتی در این کار هم موفق نبوده است: «[در سریال مختار] جایی که قرار است نقی به جامعه امروز زده شود، درام قصه افت کرده و بیشتر به یک میتینگ (گردهمایی) سیاسی شبیه می‌شود» (فکری ارشاد، ۱۳۹۰).

۲. البته در اینجا بحث درست یا نادرست بودن این ادعا مطرح نیست.





مشخص شود که چه کسی مورد لعن آنها قرار می‌گیرد، لعن یاران حضرت رسول صلی‌الله‌علیه و سلم قابل تحمل نیست» (سنی‌نیوز، ۱۳۸۹).

محمد رفاعه الطهطاوی، سخنگوی الازهر، هم افزود: «با توهین به صحابه رسول خدا و همسران ایشان به شدت مخالفیم». او از کمیته تقریب مذاهب در ایران خواست به سرعت وارد عمل شود و از ایجاد یک فتنه مذهبی جلوگیری کند. همچنین دکتر محمد رأفت عثمان، عضو جمعیت بررسی‌های اسلامی در الازهر مصر، گفت: «از جمله احکام مستقر در دین اسلام که از سوی فقیهی صادر نشده و بلکه از پایه‌های اسلام است، حرام بودن توهین به هر انسانی است؛ چه حاضر باشد و یا غایب و چه زنده باشد یا مرده و این مطلب در قرآن کریم و سنت پیامبر آورده شده است» (دنیا الوطن، ۲۰۱۰).

اما آیت‌الله مکارم شیرازی در واکنش به اظهارات علمای اهل سنت گفت: «اگر بدون تعصب به مطالعه تاریخ پردازیم، بسیاری از مسائل برای ما حل و تکلیف روشن خواهد شد، بنابراین، نباید چشمان را بر تاریخ ببندیم. شما در ردیف علما هستید و باید بدانید که تحقیر و تحقیق دو مسئله مجزا از همدیگر هستند»<sup>۱</sup> (جام جم، ۱۳۸۹).

همراه با این قضایا، در پی پخش سریال «مختارنامه»، روزنامه کیهان و برخی از پایگاه‌های اینترنتی مدعی صدور فتوایی از سوی مولانا عبدالحمید مبنی بر حرمت تماشای این سریال شدند (شیعه آنلاین، ۱۳۸۹)؛ خبری که به سرعت تکذیب شد.

## بحث و تبیین

از آنجا که در کشور ایران جمعیت زیادی در درون پاره‌فرهنگ‌های مختلف جا گرفته‌اند، تشخیص امکانات و فرصت‌ها باید به گونه‌ای باشد که موجب احساس نابرابری و بی‌عدالتی نشود (شبهستری جبارلویی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱: ۵۰). در غیر این صورت، طرد، کناره‌گیری و بی‌تفاوتی بی‌هزینه‌ترین پیامد این روند و میل به کنش انحرافی سیاسی، همچون اصطکاک و مقابله از خطر آفرین‌ترین پیامدهای این روند و از دست رفتن پشتوانه و حمایت مردمی

۱. صحنه کشته شدن حرمله با روایتی که شیخ طوسی در *امالی* آورده متفاوت است (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۳۹-۲۳۸)؛

یعنی سریال حتی به منابع مورد اعتماد خودش هم متکی نبوده است.

۲. فیاضی‌کیا و همکارانش (۱۳۹۱) معتقدند اساساً روضه‌المجاهدین یا مختارنامه اثری است با غلبه داستان‌پردازی

بر روایت مستند تاریخی.

است. تأکید قانون اساسی (به ویژه در اصول ۱۲ و ۱۷۵)، بر به رسمیت شناسی اقلیت‌های مذهبی و حقوق آن و منوط بودن تولید و توزیع محتوا در رسانه ملی به رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور است.

بر اساس تحقیقات میدانی ۱۵ درصد افراد جامعه اصلاً فیلم و سریال تماشا نمی‌کنند و ۲۸ درصد افراد هم اذعان داشته‌اند که گاهی اوقات فیلم و سریال می‌بینند<sup>۱</sup> (نزدیک به نیمی از جمعیت، از تأثیرات مورد نظر سازندگان سریال‌ها به دورند) (باهنر و جعفری کیدقان، ۱۳۸۹: ۱۴۶). همچنین ۲۱ درصد افراد از کارکردهای دینی برنامه‌های دینی تلویزیون رضایت داشته و به نسبت دیگر رسانه‌ها به آن رجوع کرده‌اند و به اصطلاح دین خود را از تلویزیون می‌گیرند. در مقابل، خانواده‌ها با ۲۴ درصد، بیشترین محل رجوع دینی مخاطبان پیام‌های دینی و جمیع دیگر رسانه‌های سنتی به جز رادیو (با ۱ درصد) و تلویزیون (رسانه ملی) با ۷۸ درصد، بیشترین میزان استفاده و رضایت مخاطبان از دریافت پیام‌ها را داشته است (باهنر، ۱۳۸۶).



فصلنامه علمی- پژوهشی

۱۳۷

رمزگشایی اهل سنت  
از سریال‌های ...

«احساس مذهب بخشی از این مجموعه برنامه‌ها را تشکیل می‌دهد و بنابراین نظریه انتخاب‌گری مخاطب و نظریه رضایت‌مندی مردم در پیام‌های مذهبی تلویزیون مطرح است. مردم، دینی را از رسانه می‌پذیرند که دنباله یا تابع معانی عمومی‌ای است که از دین در ذهنشان دارند. این طور نیست که ما بتوانیم هر برنامه‌ای را به عنوان برنامه دینی به مردم تحمیل کنیم» (آشنا، ۲۰۱۵). گو اینکه پاره‌ای صحنه‌ها یا گفتگوها در این سریال‌های تاریخی-مذهبی، سندیت نداشته، ساخته ذهن کارگردان و اجتهاد علمی اوست؛ اما نسبت این محتوای تلویزیونی با مخاطبش چگونه است؟

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم حال برای تعریف نظام معنایی و گفتمان برنامه‌های تلویزیونی از دو مفهوم «رمزگذاری» و «رمزگشایی» بهره می‌برد. این رمزگشایی را کدام مخاطب و بر چه مبنایی انجام می‌دهد؟ رابین<sup>۲</sup> هم در بررسی نسبت استفاده و خشنودی و تلویزیون به این جمع‌بندی می‌رسد که ما با دو نوع بیننده تلویزیونی روبرو هستیم؛ نخست

۱. چون سریال دیدن مستلزم تخصیص وقت در زمان‌های مشخص است، لذا می‌توان گفت که این بینندگان به‌جای سریال، فیلم می‌بینند یا اینکه از بینندگان تعقیب‌کننده خط داستان و روایت سریال نیستند، فقط گهگاهی قسمتی می‌بینند.

بیننده‌ای که بر حسب عادت و بدون در نظر گرفتن محتوا از تلویزیون استفاده می‌کند و با آن قرابت خاصی دارد، زیاد نگاه می‌کند و اولویت برنامه‌ای خاصی ندارد، انگیزه سرگرمی به نحو زیادی به حس واقع‌گرایی در محتوای تلویزیون برایش کمک می‌کند؛ مشاهده‌ای خیال‌بافانه که برای رهایی از مشکلات و جبران روابط اجتماعی است. نوع دوم از بینندگان به دنبال اطلاعات یا یادگیری هستند. الگوی انگیزشی در اینجا به‌طور کلی استفاده سطح بالاتری را نشان می‌دهد. این مدل مخاطبان بر محتوای رسانه ارتباطی تأکید دارند. این مخاطب فعال به دنبال پیام‌هایی است که نیازهای خاصش را برآورده کند و با ساختار انگیزشی سرگرمی و مداومت در استفاده، در تقابل است. آنها می‌خواهند در مورد افراد، مکان‌ها، حوادث و وقایع بیاموزند و به‌صورت ابزاری آنها را در تعامل‌های بین فردی به کار ببرند (رایین، ۱۹۸۳: ۵۱-۴۸).

با توجه به محتوای ضعیف تاریخی این سریال‌ها و قرینه‌پیش‌تر گفته در مورد عدم دریافت دین از تلویزیون، می‌توان گفت این سریال‌ها بیشتر برای مخاطب نوع اول ساخته شده‌اند و در زمره فیلم و سریال‌های سرگرمی قرار می‌گیرند؛ با فرض وجود مخاطب نوع دوم برای این سریال‌ها نتیجه ناخواسته آن ترویج ناخواسته دین‌گریزی بوده است (راوودراد، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۴). در نتیجه، حساسیت‌زایی‌ها و ورود این سریال‌ها به خط قرمزهای امنیت ملی به مراتب جدی‌تر است. برآیندهای این مسائل را می‌توان در قالب این سناریوها ترسیم کرد.

### جمع‌بندی و سناریوهای تحلیلی

در این مقام، سناریوهای چهارگانه محتمل را به‌عنوان پایان‌بندی پژوهش حاضر، عرضه می‌کنیم.

#### سناریو اول

مجموعه‌های تلویزیونی تاریخی-مذهبی می‌توانند به جایگاه هژمون دست یابند و اگرچه مخاطب اهل سنت این مجموعه‌ها به دلیل وجود برداشت‌های چندگانه از رخدادهای تاریخی از نمایش این مجموعه‌ها خشنود نیستند، در ساده‌ترین اقدام نسبت به دست بردن به کنترل تلویزیون و خاموش کردن آن اقدام می‌نمایند و همه چیز با سیاه شدن صفحه نمایش پایان می‌پذیرد. ولی خاموش شدن تلویزیون به‌معنای حذف دیگر شبکه‌ها و محتوای



آنهاست؛ این یعنی خود «محروم سازی» که نتیجه اش عدم دریافت محتوای دیگری است که برای اجتماع سازی و بنا به مصالح نظام عرضه می شود. بنابراین، باید:

- محتوای این مجموعه های تلویزیونی، طرف دیگر، یعنی عامه هم رأی با شخصیت های مثبت این مجموعه ها را تحریک نکرده و به مقابله جویی گفتاری و کنشی در بستر جامعه و اندارد.

- جهت گیری مجموعه های تلویزیونی به دایرة اعتقادات خاص و حساس مخاطب اهل سنت و خط قرمزهای ویژه اش وارد نشود.

- ضدجریانی در مقابل این جریان گفتمانی مجموعه های تلویزیونی توسط کشورهای هم مذهب با اهل سنت ایران شکل نگرفته و عامل بیرونی بر تشنجات درونی نیفزاید (که غالباً رخ می دهد؛ همچون ساخت سریال عمر یا حسنین).

### سناریو دوم

مجموعه های تلویزیونی تاریخی-مذهبی در جایگاه جرح و تعدیل، تولید و عرضه محتوا می کنند. مخاطب اهل سنت این مجموعه های تلویزیونی، از محتوای این مجموعه ها خشنود نیست لیکن محتوای عرضه شده به حدی نیست که تلویزیون را خاموش کند. این مجموعه های تلویزیونی یا به عنوان روایتی سرگرم کننده نگریسته می شوند یا چون از آستانه تحمل مخاطب فراتر می روند، باز هم باعث دست بردن به کنترل تلویزیون می شوند؛ منتها این بار شبکه ای که مجموعه های تلویزیونی را پخش می کند عوض می شود. در ابتدای امر و کوتاه مدت این یعنی از دست رفتن زمان برای فرستنده، چون مخاطبی را از دست داده است، ولی در بلندمدت و در صورت تکرار، باعث از دست رفتن یک شبکه از میان گزینه های مخاطب می شود.

### سناریو سوم

مجموعه های تلویزیونی تاریخی-مذهبی مقابله جویی مخاطب اهل سنت را برمی انگیزانند. در این مقام، مخاطب محتوای مجموعه های تلویزیونی را دریافت می کند، یعنی به تماشای این مجموعه ها می نشیند، منتها برای رمزگشایی با نیتی از پیش تعیین شده و برای عرضه محتوای بدیل. این رخداد مبتنی بر این پیش فرض هاست:

- مخاطب اهل سنت این مجموعه های تلویزیونی از میان نخبگانی خواهند بود که آگاهی های تاریخی-مذهبی آنها از سطح عامه بالاتر است و دارای پیش زمینه تقابل هم هستند.



- محتواهای بدیل از محتوای مجموعه‌های تلویزیونی عرضه و منجر به چندصدایی‌هایی مقابله‌جویانه خواهند شد.

- استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در سطح خاموش و استفاده از میز خطابه مساجد و نشر در سطح روشن بدیل‌های رسانه ملی (به‌طور خاص برخی سریال‌های تاریخی-مذهبی) خواهند شد و استفاده از این بدیل‌ها به او خشنودی نسبی می‌بخشد.

### سناریو چهارم

مجموعه‌های تلویزیونی تاریخی-مذهبی با قبول تمام پیش‌فرض‌های مخاطب در گستره ملی به گونه‌ای تولید و عرضه محتوا می‌کند که مخاطب الگوهای هنری و شخصیت‌های مجموعه‌های تلویزیونی موردعلاقه‌اش را به گونه‌ای می‌بیند که با فرهنگ و ارزش‌های درونی‌اش همسو است و استفاده از این مجموعه‌ها خشنودی‌اش را موجب می‌شود. تحقق این فرض منوط به فراهم‌سازی این پیش‌فرض‌هاست:

- تأکید بر تشابه‌یابی تاریخی و محتوایی در مجموعه‌های تلویزیونی مذهبی-تاریخی.<sup>۱</sup>
- پرهیز از نمایش سریال‌های تاریخی-مذهبی و اگرآ که حساسیت مخاطب را برمی‌انگیزند.



### پیشنهادها

در صورت وقوع هر کدام از سه سناریوی نخست، نتیجه امر از دست دادن مخاطب و زمان برای فرستنده است. به‌وجود آمدن این اندیشه، در انتهای یک طیف کنشی در امر اجتماعی منجر به دلسردی از رأی دادن و عدم مشارکت (آگاهانه)، در سر دیگر طیف، باعث تحركات قومی-مذهبی و تشنج و در وسط طیف، موجب بی‌تفاوتی به هر امر اجتماعی می‌شود. تمام این رخدادها با قبول اصل مرجع بودن قانون اساسی، معارض با مصلحت عمومی و موازین شرعی است. از این رو عطف به سناریوی چهارم، پیشنهادهای گریز از رخداد سناریوهای ۱ تا ۳ بدین شرح عرضه می‌شود:

- تأکید بر هویت ملی و برجسته کردن آن در سریال‌های تاریخی-مذهبی به‌جای رویکرد شیعی صرف.
- نمایش مجموعه‌های تلویزیونی از شخصیت‌ها و دوره‌های تاریخی مورد توافق شیعه و سنی.

۱. هرچند گزینش رویدادهای خاص از تاریخ برای تولید و عرضه محتوا باعث انفصال تاریخی یا ابهام خواهد شد.

- ساخت و نمایش مجموعه‌های تلویزیونی دینی به‌جای مجموعه‌های تلویزیونی تاریخی-مذهبی.
- پایبندی به اصول اخلاقی در برنامه‌سازی، یعنی پرهیز از نفرین و دعاهایی که احساسات دیگران را خدشه‌دار می‌کند، و نفی هرگونه تحریفی در اسلام.



فصلنامه علمی- پژوهشی

۱۴۱

رمزگشایی اهل سنت  
از سریال‌های ...

## منابع

- ابن أنس، مالک (۱۹۸۵م). موطأ مالک، (المحرر: محمد فؤاد عبد الباقي). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن حنبل، احمد (۲۰۰۸م). مسند الإمام احمد بن حنبل، (المجلد الخامس)، (المحرر: أحمد معبد عبدالکریم). جدة: دار المنهاج.
- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن يزيد (۱۴۱۷ق). السنن الأربعة، (المحرر: الألبانی). الرياض: مكتبة المعارف للنشر و التوزيع.
- أبو داود، سليمان بن الأشعث السجستاني الأزدي (۲۰۰۷م). سنن أبي داود. (المجلد الرابع). بیروت: المكتبة العصرية.
- ابوالقاسمی، محمد جواد (۱۳۸۲). آسیب شناسی فرهنگي انقلاب اسلامي. اندیشه انقلاب اسلامي، (۸ و ۷)، ۱۳۱-۱۶۲.
- اطهري، سيد حسين؛ زماني، سميه (۱۳۹۲). تحليل انتقادی گفتمان صدور انقلاب امام خميني قدس سره (۶۰-۱۳۵۷). مطالعات انقلاب اسلامي، ۹ (۳۴)، ۱۸۱-۲۰۰.
- اميني، حسن (۱۳۸۹/۱۰/۰۹). مختارنامه توهيني به صحابه پیامبر اسلام. (مصاحبه کننده: ر. جمالی) بازيابي از: <http://www.radiofarda.com/articleprintview/2263323.html>
- انجمن آینده نگري ايران (۱۳۸۹). روش سناريو در يك نگاه. آموزش آینده پژوهی؛ ماهنامه الكترونيكي انجمن آینده نگري ايران. ۲، ۱۲.
- آشنا، حسام الدين (۲۰۱۵/۰۸/۲۴). از منبر تا تلویزیون. بازيابي از وبلاگ حسام الدين آشنا: <http://ashna1343.persianblog.ir>
- باهر، ناصر (۱۳۸۶). رسانه ها و دين: از رسانه های سنتي اسلامي تا تلویزیون (نسخه دوم). تهران: مرکز تحقیقات صدا و سيمای جمهوری اسلامی ايران.
- باهر، ناصر؛ جعفري کيدقان، طاهره (۱۳۸۹). تلویزیون و تأثیرات کاشتي آن بر هويت فرهنگي ایرانیان. تحقیقات فرهنگي ايران، ۳ (۱۲)، ۱۳۱-۱۵۶.
- بصيري، مريم (۱۳۸۱). سفری بی سرانجام (نقد فيلم). پیام زن. (۱۲۲).
- بلاذري، احمد بن يحيى (۱۴۱۷ق). أنساب الأشراف، (المجلد الثاني). بیروت: دار الفكر العربی.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۵۴). اسلام آيين همبستگی. تهران: بعثت.
- پروژه تاريخی سريال مختارنامه (۱۳۸۷). خيمه، ۴۶، ۲۴-۲۲.
- پوررحمان برندق، محرم (۱۳۸۸). امنيت ملی و اقليت های قومی و دينی در جمهوری اسلامی ايران. حصون، ۱۹، ۲۰۵-۲۲۲.
- الترمذی، محمد بن عيسى (۱۹۵۶م). سنن الترمذی. (المجلد الخامس). (المحررون: أحمد شاکر، محمد فؤاد





عبد الباقي و إبراهيم عطوة عوض). القاهرة: مطبعة مصطفى الحلبي.

جاد الحق (۱۹۸۰م/۱۷/۰۸). حکم تجسید شخصیات الصحابه سینماتیا و تلفزیونیا. تم الاسترداد من

دارالافتاء المصرية: <http://www.dar-alifta.org>

جام جم (۱۳۸۹/۱۰/۱۶). پاسخ آیت الله مکارم به معترضان «مختارنامه». بازیابی از جام جم:

<http://www1.jamejamonline.ir>

جامعه خبری تحلیلی الف (۱۳۹۰/۰۲/۲۸). برگزاری مراسم تجلیل از عوامل سریال مختارنامه. بازیابی از:

<http://alef.ir>

جعفری، محمدصابر (۱۳۸۹). مختار، منتقم خون امام حسین<sup>(ع)</sup> نیست. مجله امان، ۲۸، ۳۸-۳۶.

حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۴). بررسی و نقد مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل سنت. دانش سیاسی، ۱،

۶۷-۱۰۲.

حاجی زاده، سیروس (۱۳۸۶). آسیب شناسی انقلاب اسلامی؛ چالش های گفتمان وحدت در انقلاب

اسلامی (۱) (دوران استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی). پانزده خرداد، ۱۴، ۷۸-۳۳.

الحاکم النیشابوری، محمد بن عبدالله (۲۰۰۲). المستدرک علی الصحیحین، (المجلد الأول). بیروت: دار

الکتب العلمیة.

حبیب الله، حیدر (۱۳۸۴). طرح تقریب و مشکلات آگاهی دینی؛ قرائتی در منطق تقریب و گونه های

فرهنگ دینی. اندیشه تقریب، ۲، ۷۴-۳۹.

حیبی راد، سروش (۱۳۹۲/۰۹/۲۶). گزارش خبری. بازیابی از خبرگزاری مهر:

<http://www.mehrnews.com>

حسینی اسفیدواجانی، سید بشیر (۱۳۹۱). حقوق مخاطب در برابر رسانه های جمعی. تهران: دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>.

حسینی قزوینی، سید محمد (۱۳۸۵/۰۳/۲۰). نقدی بر سریال مسافر ری. بازیابی از مؤسسه تحقیقاتی حضرت

ولی عصر: <http://www.valiasr-aj.com>

خامنه ای، سید علی (۱۳۷۷/۱۰/۱۸). اعتراف عبدالله بن عروه بن زبیر به مقام و منزلت امام علی<sup>(ع)</sup>. بازیابی از:

<http://khamenei.ir>

دارابی، علی (۱۳۸۹/۰۵/۰۱). رسانه ملی و بایسته های دینی. بازیابی از: <http://deabel.org>

دانش، سید احمد (۱۳۹۰/۰۵/۱۰). سؤالی که «مختارنامه» هیچ گاه به آنان پاسخ نداد. بازیابی از:

<http://www.cinemakhabar.ir>

الدمامینی، بدرالدین (۱۴۳۰ق). مصابیح الجامع و هو شرح الجامع الصحیح للإمام البخاری. (المجلد الثامن)،

(نورالدین طالب، المحرر). القطر: الأوقاف القطریة.

دنيا الوطن (۲۰۱۰م/۲۸/۱۰). غضب أزهری رداً علی مسلسل ایرانی «یهین» صحابة الرسول. تم الاسترداد من:

[www.alwatanvoice.com](http://www.alwatanvoice.com)



فصلنامه علمی- پژوهشی

۱۴۳

رمزگشایی اهل سنت  
از سریال های ...



رابطه العالم الإسلامي (۲۰۱۵/۰۲/۰۹). رابطه العالم الإسلامي تدين إصدار الفيلم الإيراني (محمد رسول

الله). تم الاسترداد من رابطه العالم الإسلامي: <http://www.themwl.org>

راودراد، اعظم (۱۳۸۸). نقش برنامه‌های دینی و غیر دینی تلویزیون در افزایش یا کاهش دینداری. تحقیقات فرهنگی ایران، ۲ (۶)، ۴۷۷-۴۷۷.

رنجبر، مقصود (۱۳۷۹). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ۹، ۹۱-۶۴.

سریال امام علی (ع) (بیست و نهم آبان ماه ۱۳۷۵)، روزنامه ایران، ۱۸۶۵، ۱۰.

سنی نیوز (۱۳۸۹/۰۶/۱۹). حرمت ازواج مطهرات؛ حرمت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است. بازیابی از:

<http://sunnionline.us>

الشافعی، محمد بن ادریس (۲۰۰۱). الأم. (المجلد الثاني)، (المحرر: رفعت فوزی عبدالمطلب). الاسكندرية: دار الوفاء.

شاکری، سید رضا (۱۳۸۱). مبانی اسلامی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (از منظر قانون اساسی). مطالعات راهبردی، ۱۵، ۱۰۸-۹۳.

شبستری جبار لویی، بهرام (۱۳۸۰ و ۱۳۸۱). درآمدی بر نقش گسل‌های متن فرهنگی کشور در تضعیف اقتدار ملی و راه‌های ترمیم آن. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۱ و ۱۲، ۵۴-۴۷.

الشرنبلالی الحنفی، حسن بن عمار بن علی (۲۰۰۴). مراقی الفلاح یامداد الفتح شرح نور الايضاح و نجات الأرواح و بهامشه متن نور الايضاح مع تقریرات من حاشية الطحطاوی، (المحرر: صلاح بن محمد بن عویضة). بیروت: دار الکتب العلمیة.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۴/۰۷/۱۲). راهبردها و راهکارهای ارتقای فعالیت‌های سازمان صدا و

سیمای جمهوری اسلامی ایران. بازیابی از: <http://www.sccr.ir>

شیعه آنلاین (۱۳۸۹/۱۰/۰۵). عبدالحمید مختارنامه را حرام اعلام کرد! بازیابی از: <http://www.shia-online.ir>

صمیمی، سید رشید (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی تقریب مذاهب اسلامی. کوثر معارف، ۳ (۴)، ۲۲۴-۱۸۷.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دارالتحافه.

علوی عمری، نجم‌الدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۰). المجدی فی أنساب الطالبیین. قم: مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی.

فکری ارشاد، مازیار (۱۳۹۰/۰۲/۱۰). شخصیت‌های منفی «مختارنامه» پررنگ و عمیق هستند. بازیابی از:

<http://www.simafilm.ir>

فیاض، ابراهیم (۱۳۸۹/۰۹/۲۷). دین به‌روایت تلویزیون. بازیابی از: <http://www.ebrahimfayyaz.ir>

فیروزی، محرمعلی (۱۳۸۸). چالش‌ها و بحران‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. حصون، ۱۹، ۸۴-۷۰.  
قرضاوی، یوسف (۱۳۹۰). گفتمان دینی در عصر ارتباطات، (مترجم: عبدالصمد مرتضوی). تهران: نشر احسان.

گزارشی از سریال امام علی<sup>(ع)</sup> (هفته شهریور ماه ۱۳۷۵)، مجله سروش، ۸۰۲، ۳۴

مجلسی، الشیخ محمدباقر (۱۹۸۳م). بحارالانوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). سیره ائمه اطهار علیهم السلام، ج ۱. قم: صدرا.

مظاهری، محمدمهدی (۱۳۸۹). امام خمینی<sup>(ره)</sup> و گفتمان انقلاب اسلامی. پژوهشنامه متین، ۴۷، ۱۳۰-۱۱۷.

منتظر قائم، مهدی؛ معتمدی، بشیر (۱۳۸۹). ضوابط شفاف و غیر شفاف در تولید برنامه‌های دینی تلویزیون

ایران. تحقیقات فرهنگی ایران، ۳ (۱۲)، ۲۳-۵۸.

مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۹۲). نظریه‌های رسانه‌اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: همشهری.

النسائی، احمد بن شعیب (۱۹۸۴م). فضائل الصحابه. بیروت: الدار الکتب العلمیه.

Farrington, Ted; Crews, Christian; ; Green; Lee (2013). Exploring the Future through Scenarios. *Research-Technology Management*, September/ October, 57-59.

Hall, S. (1973). *Encoding and Decoding in Television Discourse*. London: Hutchinson.

Kahane, A. (2012). *Transformative Scenario Planning: Working Together to Change the Future*. California: Berrett-Koehler.

Lindgren, Mats; Bandhold, Hans.(2003). *Scenario Planning, The link between Future and Strategy*. New York: Palgrave Macmillan Ltd.

McQuail, Denis (2008). Uses and Gratifications Approach. in L. L. Holtz-Bacha (ed.). *Encyclopedia of Political Communication*, (Vol. 2.). London: SAGE, pp.800-804.

Nightingale, V. (2011). *The Handbook of Media Audiences*. London: Blackwell.

Pillai, P. (1992). Rereading Stuart Hall's Encoding/ Decoding Model. *Communication Theory*, August, 221-233.

Reinhard, CarrieLynn D.; Dervin, Brenda (2009). Media Uses and Gratifications. in W. Eadie. *21st Century Communication: a Reference Handbook*. Los Angeles: SAGE. pp.506-514.

Rubin, A. M. (1983). Television uses and Gratifications: the Interactions of Viewing Patterns and Motivations. *Broadcasting*, 27 (1), 37-51.

Wright, George; Cairns, George (2011). *Scenario Thinking: Practical Approaches to the Future*. New York: Palgrave Macmillan.

Wulf, Torsten; Meißner, Philip; Stubner, Stephan (2010). *A Scenario-based Approach to Strategic Planning – Integrating Planning and Process Perspective of Strategy*. Leipzig: Leipzig Graduate School of Management.



# Iranian Historical – Religious TV Series’ Decoding by Sunnis’: A Case Study of Davoud Mirbagheri Works

Received Date: Feb. 27, 2016

Accepted Date: Nov. 25, 2016

S. Bashir Hosseini<sup>1</sup>

Mokhtar Jafari<sup>2</sup>

## Abstract

The purpose of this article is to address the communication discourse of Iranian historical – religious TV series based on the decoding of Sunnis and it is determined to analyze the discourse of the most important historical – religious TV series of IRIB directed by Davoud Mirbagheri from the perspective of Sunnis. Through realizing rights of religious minorities of religious TV programs it addresses the two fundamental principles of "unity" and "export of revolution discourse" consistent with "national interest" and adherence to the Constitution. This article aims to answer the question: what are the consequences of non-compliance with these two principles in the production and distribution of historical – religious TV series contents? The methodology of this study is text and hypertext discourse analysis that in the conclusion using inductive scenario building models, it summarizes and provides solution. Case studies of the present study include three works directed by Davoud Mirbagheri i.e. Imam Ali, Ray passenger and Mokhtarnameh historical – religious TV series. The applied theories in the research include use and gratification approach and encoding-decoding model by Stuart Hall. Results of this study support the notion that these series are produced by textual and hyper textual decoding, unhappiness, the absence of media and audience’s self-censorship and thus isolation, negotiation and conflict. Therefore, with emphasis on national identity, development of the series of characters and historical periods agreed by Shiite and Sunnis and developing religious series regardless of denomination and adherence to ethical principles, it is possible take steps to avoid problems.

**Keywords:** Scenario Method, Discourse, National Security, Use and Gratification Approach, Encoding-Decoding Model.

---

1 Assistant Professor, Department of Media Management, IRIBU, (Corresponding Author); bhosseini@iribu.ac.ir

2 M.A. Candidate in Communication Sciences, IRIBU; mr.mokhtarjafari@gmail.com



IJCR

17

Abstract



## Bibliography

- 'Abd Al-Hamid "Moxtārnameh" rā harām e'lām kard! *Ši'eh online*. (1389/10/05 [26-12-2010]). Retrieved from: <http://www.shia-online.ir>
- Abu Al-qāsemi, M. J. (1382 [2003 A.D]). *Āsib šenāsi-e farhangi-e enqelāb-e eslāmi. Andīseh-ye enqelāb-e eslāmi*, 7-8, 131-162.
- Abu Dawood, S. (2007). *Sunan Abu Dawood*, (Vol. 4). Beirut: Al-Maktabat-ol asriah.
- 'Alawī al-'Umari, N. (1380 [2001 A.D]). *Al-Majdi fi ansāb al-tālibiyyin*. Qom: Ayatollāh Marashi Najafi library.
- Al-Balādhurī, 'A. (1996). *Ansab al-Ashraf* "Lineage of the Nobles", (Vol. 2). Beirut: Dār al-fekr al-arabi.
- Al-Hākīm Nishāpuri, M. (2002). *Al-Mustadrak 'alaa al-sahihain* (Vol. 1). Beirut: Dār al-kotob al-ilmiyah.
- Al-Nasā'i, A. (1984). *fazāil-e-sahābah*. Beirut: Dar al-kotob al-ilmiyah.
- Al-Shāfi'i, M. (2001). *Al-Umm* (Vol. 2). (Edited by: Ra'fat Fawzi A.). Alexandria: Dār al-wafā.
- Amini, H. (1389 [2010 A.D]). *Moxtār nāmeḥ; tohini beh sahābeh-ye payāmbār-e eslām*. (1389/10/09 [30-12-2010]). Retrieved from: <http://www.radiofarda.com/articleprintview/2263323.html>
- Anjoman-e Āyandeh negari-e Irān. (1389 [2010 A.D]). *Raveš-e senāriu dar yek negāh; āmuzeš-e āyandeh pažuhi*. Māhnāmeḥ-ye Anjoman-e Āyandeh negari-e Irān, 2, 12.
- Āšnā, H. (2015). *Az menbar tā televiziun*. (24-08-2015). Retrieved from: <http://ashna.۳۳۳.persianblog.ir>
- Athari, S. H., & Zamāni, S. (1392 [2013 A.D]). Tahlil-e enteḡādi-e goftemān-e sodur-e enqelāb-e Emām Xomeyni (1357-60). *Motāle'āt-e enqelāb-e eslāmi*, 9(34), 181-200.
- Bāhonar, N. (1386 [2007 A.D]). *Resāneh va dīn: az resāneh hā-ye sonati-e eslāmi tā televiziun*. Tehrān: Markaz-e Tahqiqāt-e Sedā va Simā-ye Jomhuri-e Eslāmi-e Irān.
- Bāhonar, N., & Ja'fari Keyzoqān, T. (1389 [2010 A.D]). Televiziun va ta'sirāt-e Kāšti-e ān bar huviat-e farhangi-e Irāniān. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 3(12), 131-156.
- Bargozāri-e marāsem-e tajlil az 'avāmel-e seryāl-e "Moxtārnameh". *Jāme'eh-ye Xabari Tahlili-e Alef*. (1390/02/28 [18-05-2011]). Retrieved from: <http://alef.ir>
- Basiri, M. (1381 [2002 A.D]) Safari bi saranjām. *Payām-e zan*, 122.
- Biāzār Širāzi. 'A. (1354 [1975 A.D]). *Eslām āyin-e hambastegi*. Tehran: Be'sat
- Damāmini, B. (2008). *Masābih o al-jāme' va huva šarh al-jāme', al-Šaḡīḥ Imām al-Bukhārī* (Vol. 8). (Edited by: Tāleb, N.). Qatar: Awqāf al-qatariah.
- Dāneš, S. A. (1390 [2011 A.D]). So'āli keh "Moxtārnameh" hič gāh beh anān pāsox nadād. *Sinamā xabar*. (1390/05/10 [01-08-2011]). Retrieved from: <http://www.cinemakhabar.ir>
- Dārābi, 'A. (1389 [2010 A.D]). Resāneh-ye meli va bāyesteh hā-ye dini. *Bonyād-e De'bel Xazāyi*. (1389/05/01 [23-07-2010]). Retrieved from: <http://deabel.org>

- Farrington, Ted; Crews, Christian; & Green; Lee (2013). Exploring the Future through Scenarios. *Research-Technology Management*, September/ October, 57-59.
- Fayāz, E. (1389 [2010 A.D]). *Din beh ravāyat-e televiziun*. (1389/09/27 [18-12-2010]). Retrieved from: <http://www.ebrahimfayyaz.ir/>.
- Fekri Eršād, M. (1390 [2011 A.D]). *Šaxsiat hā-ye manfī-e “ Moxtārnāmeḥ” por rang va ‘amiq hastand*. (1390/02/10 [03-04-2011]). Retrieved from: <http://www.simafilm.ir>.
- Firuzi, M. 'A. (1388 [2009 A.D]). Čāleš hā va bohrān hā-ye amniat-e meli-e Jomhuri-e Eslāmi-e Irān. *Hosun*, 19, 70-84.
- Gozāreši az seriāl-e Emām 'Ali* (1375 [1996 A.D]). *Majaleh-ye Soruš*, 802, 34.
- Habib Alah, H. (1384 [2005 A.D]). Tarh-e tagrib va moškelāt-e āgāhi-e dini-e qerā'ati dar manteq-e taqrib va guneh hā-ye farhang-e dini. *Andišeḥ-ye taqrib*, 2, 39-74.
- Habibi Rād, S. (1392 [2013 A.D]). Gozareš-e xabari. (1392/09/26 [17-12-2013]). Retrieved from: <http://www.mehrnews.com>.
- Hāji Zādeh, S. (1386 [2007 A.D]). Āsib šenāsi-e enqelāb-e eslāmi; čāleš hā-ye goftemān-e vahdat dar enqelāb-e eslāmi (1) (durān-e esteqrār va tasbit-e nezām-e Jomhuri-e Eslāmi). *Panzdah-e xordād*, 14, 33-78.
- Hall, S. (1973). *Encoding and Decoding in Television Discourse*. London: Hutchinson.
- Hātami, M. R. (1384 [2005 A.D]). Barresi va naqd-e mabāni-e mašru'iat-e hokumat az didgāh-e ahl-e sonat. *Dāneš-e siāsi*, 1, 67-102.
- Hormat-e azvāj-e motaharāt, hormat-e Rasul (Sali alah 'alayh va āleh va salam) ast. *Soni niuz*. (1389/06/19 [10-09-2010]). Retrieved from: <http://sunnionline.us>
- Hoseyni Esfid Vājāni, S. B. (1391 [2012 A.D]). *Hoquq-e moxātab dar barābar-e resāneh hā-ye jam'i*. Tehrān: Dāešgāh-e Emām Sādeq.
- Hoseyni Qazvini, S. M. (1385 [2006 A.D]). Naqdi bar seryāl-e “Mosāfer-e Rey”. *Mu'aseseh-ye tahqiqāti-e Hazrat-e Vali-e 'Asr*. (1385/03/20 [10-06-2006]). Retrieved from: <http://www.valiasr-aj.com>
- Ibn Anas, M. (1985). *Al-Muwatta* (Edited by: Abd al-Baqi, M. F.). Beirut: Dār o ehyā'-e al-torās al-arabi.
- Ibn Hanbal, A. (2008). *Musnad of Emām Ahmad ibn Hanbal*, (Vol. 5), (Edited by: 'Abd al-Karīm, A. M.). Jeddah: Dār al-menḥāj.
- Ibn Majah, A. (1996). *Sunnan al-Arba'ah*, (Edited by: Al-Albāni). Al Riyādh: Al-Ma'ārif book store for Publishing and distribution.
- Ja'fari, M. S. (1389 [2010 A.D]). Moxtār, montaḡem-e xun-e Hoseyn nist. *Majale-ye Amān*, 28, 36-38.
- Kahane, A. (2012). *Transformative Scenario Planning: Working Together to Change the Future*. California: Berrett-Koehler.
- Lindgren, Mats; Bandhold, Hans.(2003). *Scenario Planning, The link between Future and Strategy*. New York: Palgrave Macmillan Ltd.
- Mahdi Zādeh, S. M. (1392 [2013 A.D]). *Nazarieh hā-ye resāneh, andišeḥ hā-ye rāyej va didgāh hā-ye enteḡādi*. (3<sup>rd</sup> ed.). Tehrān: Hamšahri.
- Majlesi, A. M. B. (1983). *Behār al-anvār*. Beyrut: Mu'aseseh-ye al-wafā.





- Mazāheri, M. M. (1389 [2010 A.D]). Emām Xomeyni va goftemān-e enqelāb-e eslāmi. *Matin*, 47, 117-130.
- McQuail, Denis (2008). Uses and Gratifications Approach. in L. L. Holtz-Bacha (ed.). *Encyclopedia of Political Communication*, (Vol. 2.). London: SAGE, pp.800-804.
- Montazer Qā'em, M., & Mo'tamedi, B. (1389 [2010 A.D]). Zavābet-e šafāf va gheyr-e šafāf dar tulid-e barnāmeḥ hā-ye dini-e televiziun-e Irān. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 3(12), 23-58.
- Motahari, M. (1373 [1994 A.D]). *Sireh-ye a'emeh-ye athār*. (1<sup>st</sup> vol.). Qom: Sadrā.
- Nightingale, V. (2011). *The Handbook of Media Audiences*. London: Blackwell.
- Pāsox-e Āyat Alāh Makārem beh "Moxtārnāmeḥ". *Jām-e Jam*. (1389/10/16 [06-01-2011]). Retrieved from: <http://www.jamejamonline.ir>
- Pillai, P. (1992). Rereading Stuart Hall's Encoding/ Decoding Model. *Communication Theory*, August, 221-233.
- Porožeh-ye tārixi-e seryāl-e "Moxtārnāmeḥ" (1387 [2008 A.D]). *Xeymeh*, 46, 22-24.
- Pur Rahmān Barandaq, M. (1388 [2009 A.D]). Amniat-e meli va aqaliat hā-ye qumi va dini dar Jomhuri-e Eslāmi-e Irān. *Hosun*, 19, 205-222.
- Qaradawī, Y. (1390 [2011 A.D]). *Goftemān-e dini dar 'asr-e erteḋātāt* (Persian translation of the religious discourse in communication era). translated by: Mortazavi, A. Tehrān: Ehsān.
- Rāhbord hā va rāhkār hā-ye erteḋā-ye fa'āliat hā-ye Sāzmān-e Sedā va Simā-ye Jomhuri-e Eslāmi-e Irān. *Šorā-ye 'Āli-e Enqelāb-e Farhangi*. (1384/07/12 [04-10-2005]). Retrieved from: <http://www.sccr.ir>
- Ranjbar, M. (1379 [2000 A.D]). Goftemān hā-ye amniat-e meli dar Jomhuri-e Eslāmi-e Irān. *'Olum-e siāsi (Dānešgāh-e Bāqer Al-'Olum)*, 9, 64-91.
- Rāvād Rād, A. (1388 [2009 A.D]). Naqš-e barnāmeḥ hā-ye dini va gheyr-e dini-e televiziun dar afzāyeš yā kāheš-e dindāri. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 2(6), 4-77.
- Reinhard, CarrieLynn D.; Dervin, Brenda (2009). Media Uses and Gratifications. in W. Eadie. *21st Century Communication: a Reference Handbook*. Los Angeles: SAGE. pp.506-514.
- Rubin, A. M. (1983). Television uses and Gratifications: the Interactions of Viewing Patterns and Motivations. *Broadcasting*, 27 (1), 37-51.
- Šabestari Jabār Luyi, B. (1381 [2002 A.D]). Darāmadi bar naqš-e gosāl hā-ye matn-e farhangi-e kešvar dar taz'if-e eqtedār-e meli va rāh hā-ye tarmim-e ān. *Motāle'āt-e def'ā'i-e esterātežik*, 11-12, 47-54.
- Šakeri, S. R. (1381 [2002 A.D]). Mabāni-e eslāmi-e amniat-e meli-e Jomhuri-e Eslāmi-e Irān (az manzar-e Qānun-e Asāsi). *Motāle'āt-e rāhbordi*, 15, 93-108.
- Samimi, S. R. (1386 [2007 A.D]). Āsib šenāsi-e taqrib-e mazāheb-e eslāmi. *Kusar*, 3(4), 187-224.
- Serial Imam 'Ali (1375/08/29 [19-11-1996]). *Ruznāmeḥ-ye Irān*. 1865, 10.
- Shaykh Shoronbalāli Al-Hanafi, H. (2004). *Marāqi al-falāh bi imdād al-fattāh sharh nur al-idāh wa najat al-arwāh, taqirāt & hāshiyah on nur al-idāh by Allama Tahtawi*. (Edited by: Bin Uwaydah, A.A.S.). Beirut: Dār Al-Kotob Al-Ilmiyah.
- Shaykh Tusi, A. (1993). *al-Amili*. Qom: Dār al-thaqāfah.
- Tirmidhi, M. (1956). *Sunan at-Tirmidhi*, (Vol. 5). (Edited by: Šaker, A., 'Abdul

- Bāqi, M.F., & Awad, I. A.). Cāiro: Mostafā al-halabi press.
- Wright, George; Cairns, George (2011). *Scenario Thinking: Practical Approaches to the Future*. New York: Palgrave Macmillan.
- Wulf, Torsten; Meißner, Philip; Stubner, Stephan (2010). *A Scenario-based Approach to Strategic Planning – Integrating Planning and Process Perspective of Strategy*. Leipzig: Leipzig Graduate School of Management.
- Xāmeneh-i, S. 'A. (1377 [1999 A.D]). E'terāf-e 'Abd Alah ben 'Orvah ben Zobeyr beh maqām-e Emām 'Ali. Pāygāh-e Etelā' resāni-e Daftar-e Hefz va Našr-e Āsar-e Hazrat-e Āyat Alāh Al-'Ozmi(ā) Seyed 'Ali Xāmeneh-i. (1377/10/18 [08-01-1999]). Retrieved from: <http://khamenei.ir>.



IJCR

21

Abstract